



عملیات‌های موشکی یمن توهم و اعتماد به نفس رژیم صهیونیستی را در هم شکست

سیلی تأثیرگذار یمن

صفحه ۷

چهارشنبه ۵ دی ۱۴۰۲ | ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ | ۲۵ دسامبر ۲۰۲۴ | سال هفدهم | شماره ۴۱۴ | ۸ صفحه | ۵۰۰۰ تومان

تیتتر های امر وز

با رأی مثبت اعضای شورای عالی فضای مجازی صورت گرفت

رفع فیلتر واتساپ و گوگل پلی



بهران‌ها و چالش‌های احتمالی امنیتی، اقتصادی و سیاسی دمشق برای آنکارا

صفحه ۲

بهران‌ها و چالش‌های احتمالی امنیتی، اقتصادی و سیاسی دمشق برای آنکارا

جعبه پاندورای سوریه برای ترکیه

صفحه ۷

نگاهی به تبعات خطرناک و مرگبار مصرف داروهای موسوم به داروی شب امتحان

سرم شب امتحان!

صفحه ۴

رئیس شورای راهبردی روابط خارجی با اشاره به سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران تشریح کرد

سیاست مقاومت و مذاکره

صفحه ۲

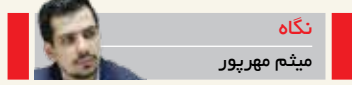
روزهای سرنوشت‌ساز چند استقلالی

پیا خط نخوری!

صفحه ۶

چرا اظهارات وزیر اقتصاد

نادر ست است؟



نگاه

میثم مهرپور

وزیر اقتصاد این هفته در نشست ارزی کمیسیون اقتصادی مجلس اظهاراتی را مطرح کرد که هم منجر به تشدید انتظارات تورمی در کشور شد و بازار ارز و طلا را با افزایش قیمت مواجه کرد و هم پالس ضعف و ناتوانی را به دشمنان مخابره کرد.

محور کلیدی صحبت‌های وزیر اقتصاد را می‌توان در بخش لزوم افزایش نرخ ارز به دلیل وجود تورم و رشد شاخص قیمت‌ها و تأثیرپذیری نرخ ارز از اتفاقات سیاسی و امنیتی دانست؛ موضوعی که در این نوشته به اختصار به دلایل برداشت اشتباه آقای وزیر از این موضوعات پرداختام.

۱- عبدالناصر همتی در نشست ارزی کمیسیون اقتصادی مجلس افزایش ۲٫۷ برابری شاخص قیمت‌ها از ابتدای سال ۱۴۰۱ تا آذر ۱۴۰۳ را دلیلی بر افزایش نرخ ارز دانست و بر اساس این محاسبه مدعی شد از آنجا که بدون توجه به سایر مسائل اقتصادی و سیاسی - امنیتی شاخص قیمت‌ها طی این مدت ۲٫۷ برابر شده است، لذا نرخ ارز که در ابتدای سال ۱۴۰۱ حدود ۲۷ هزار تومان بوده نیز باید ۲٫۷ برابر شود و با این استدلال نتیجه گرفت طبق یک حساب سرانگشتی نرخ ارز در حال حاضر و صرفا بر اساس این شاخص و بدون در نظر گرفتن سایر مسائل اقتصادی - سیاسی باید حداقل ۷۳ هزار تومان باشد. در رد این ادعای آقای وزیر باید به ۲ موضوع مهم توجه کرد.

الف-افزایش یا کاهش نرخ ارز موضوعی تک‌بعدی و تک‌وجهی نیست که به صرف پارامتر رشد شاخص قیمت‌ها، دقیقا و لزوما باید به همان میزان رشد داشته باشد! طبیعتا تعیین نرخ ارز ولو به صورت دستوری متأثر از عوامل مختلف است و نمی‌توان اینچنین ساده و به صرف افزایش ۲٫۷ برابری شاخص قیمت‌ها، حکم به افزایش متناسب نرخ ارز با شاخص قیمت‌ها داد.

ب- مساله بعد و مهم‌تر آن است که متاسفانه نرخ ارز در اقتصاد ایران بر تمام بازارها و قیمت کالاها تأثیر گذار است. به عبارتی، افزایش شاخص قیمت‌ها را باید معلول رشد نرخ ارز و نه علت آن دانست.

در واقع بخش قابل توجهی از رشد ۲٫۷ برابری شاخص قیمت‌ها طی سال‌های ۱۴۰۱ تا آذر ۱۴۰۳ به دلیل افزایش نرخ ارز از ۲۷ هزار تومان تا بیش از ۶۰ هزار تومان است، لذا این استدلال که چون شاخص قیمت‌ها ۲٫۷ برابر شده پس نرخ ارز هم حداقل باید چنین رشدی داشته باشد، استدلالی مطلقا اشتباه و سطحی است.

ادامه در صفحه ۶

روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

وطن امروز

۱۴۰سال و ۱۰۴ روز گذشت |

«وطن امروز» از روند کاهش تحویل سوخت به نیروگاه‌ها در دولت چهاردهم

در مقایسه با دولت سیزدهم گزارش می‌دهد

بی‌تدبیری خاموش

متوسط ذخیره‌سازی روزانه سوخت در دولت چهاردهم ۷٫۲۱ میلیون لیتر کاهش یافت

و همین مسأله منجر به تشدید خاموشی‌ها در پاییز و زمستان شد



صفحه ۳

مروری بر وضعیت سینمای اجتماعی ایران که در سال‌های اخیر به بی‌رق‌ترین وضعیتش رسیده است

آئینه شکسته‌ای برابر اجتماع

صفحه ۸

ولادت باسعادت پیامبر اولوالعزم حضرت مسیح بن مریم علی نبیا و آله وعلیه‌السلام را به موجدان عالم شادباش می‌گوییم

تمرکز موشک‌های یمن

بر تل آویو



یادداشت روز

مهدی بختیاری

حملات مداوم و دقیق نیروهای مقاومت یمن به سرزمین‌های اشغالی -بویژه تل آویو - به یکی از دردسرهای بزرگ صهیونیست‌ها تبدیل شده است، خصوصا که فاصله زیاد یمن با سرزمین‌های اشغالی (بیش از ۲ هزار کیلومتر)، این امکان را هم از اسرائیل می‌گیرد که هر وقت دلش خواست بتواند براحتی به آنجا حمله کند (برخلاف آن چیزی که در غزه، لبنان و سوریه دیدیم).

انصارالله یمن به عنوان بخشی مهم از جبهه مقاومت، ۲۰ روز پس از شروع عملیات توفان الاقصی وارد میدان مقابله با رژیم صهیونیستی شد و طی این ۱۴ ماه نقشی اساسی در این مبارزه ایفا کرده است که مهم‌ترین آن در دریای سرخ بوده که حملات زیادی با هدف مختل کردن توان اقتصادی رژیم صهیونیستی انجام داده است.

بندر ایلات به عنوان یکی از جنوبی‌ترین نقطه سرزمین‌های اشغالی در جوار دریای سرخ قرار دارد و بیشترین نقل‌وانتقالات اسرائیل از همین بندر انجام می‌شود و تمرکز یمنی‌ها بر این نقطه، یکی از اصلی‌ترین خطوط مواصلاتی و یکی از شریان‌های اصلی حیات اقتصادی رژیم را تقریبا قطع کرده‌است. هیچ کشتی اسرائیلی یا متعلق به متحان آن (نظیر آمریکا و کشورهای اروپایی) از کمند آتش یمنی‌ها در این منطقه در امان نبوده

و این موضوع اثر زیادی بر اقتصاد اسرائیل در حال جنگ گذاشته است. رژیم اشغالگر برای دور زدن بندر ایلات و انتقال این خط تجاری به بندر حیفا در شمال فلسطین اشغالی هم کار بسیار سختی دارد. طولانی‌تر شدن مسیر دریایی و انتقال از دریای سرخ به دریای مدیترانه کار آسانی نیست اما همین ایده هم با عملیات اخیر یمنی‌ها در تل آویو از سمت مدیترانه با چالش‌های بزرگی مواجه خواهد شد. مبارزه یمنی‌ها با اشغالگران قدس البته تنها محدود به این مساله نبود. در ماه‌های گذشته، ارسال پهپاد تجاری به سمت

تل آویو و اصابت آن به هدف، صفحه جدیدی از مبارزات یمنی‌ها را ورق زد و اسرائیل فهمید حالا با یک تهدید جدی، این بار از هوا و علیه نقاط بسیار حساس غصبی خود در روی زمین نیز مواجه است. این اقدام نشان داد یمنی‌ها نه فقط در دریای سرخ، بلکه در دریای مدیترانه نیز توان مختل کردن اقتصاد اسرائیل را دارند.

در حالی که اسرائیل به دنبال پیدا کردن راهکاری برای متوقف کردن پهپادهای یمنی بود، انصارالله برگ برنده دیگری رو کرد: موشک‌های بالستیک‌هایپرسونیک «فلسطین ۲»

گروه‌های مقاومت یمنی طی چند روز گذشته چند حمله موفق موشکی به تل آویو داشتند و این عملیات‌ها آقدر مهم بود که آمریکایی‌ها این بار به نایب از فرزند نامشروع خود وارد عمل شدند و اقدام به بمباران سنگین صنعا، پایتخت یمن کردند؛ اقدامی که البته برای آنها بسیار پرهزینه هم بود و یکی از جنگنده‌های «اف ۱۸» ارتش ترویرست آمریکا (تحت فرماندهی مستکام) حین برگشت هدف قرار گرفت و اساقط شد. اینکه این هوایما چطور مورد اصابت قرار گرفته، چندان روشن نیست. یمنی‌ها اعلام کردند آتش پدافند هوایی آنها این جنگنده را اساقط کرده و آمریکایی‌ها (شاید نگرانی فراز از ننگ این شکست بزرگ) مدعی شدند پدافند هوایی خودشان به این جنگنده شلیک کرده است (در واقع بین بد و بدتر، بد را عنوان کردند).

فارغ از این موضوع، حملات موشکی یمن به سرزمین‌های اشغالی از چند جهت قابل توجه است. اول اینکه این موشک‌ها در حالی به تل آویو اصابت می‌کنند که حملات به شکل شلیک آنبوه (یکی از مهم‌ترین راهکارهای مقبله با پدافند هوایی) صورت نگرفته است و در مواردی تنها با یک تیر موشک انجام شده و همان موشک هم توانسته از پدافند چندلایه اسرائیل عبور کرده و به هدف اصابت کند.

این در حالی است که رژیم صهیونیستی یکی از مدرن‌ترین و در عین حال گران‌ترین سامانه‌های موشکی پدافند هوایی در دنیا را در اختیار دارد. گنبد آهنین، فلاخن داود و پیکان مهم‌ترین سامانه‌هایی هستند که در سیستم پدافند هوایی اسرائیل هر کدام برای یک مأمورت عبور می‌کنند و این شده‌اند و علاوه بر این، پس از عملیات «وعده صادق ۲» که ایران در آن با ۲۰۰ فروند موشک به سرزمین‌های اشغالی حمله کرد و عمده این موشک‌ها نیز توانستند از کمند پدافند هوایی اسرائیل عبور کنند، صهیونیست‌ها اقدام به خرید سامانه موشکی جدید «تاد» از ایالات متحده کردند و تحویل سریع آن به رژیم نیز بازخورد‌های زیادی در رسانه‌ها پیدا کرد. حالا موشک تنهایی یمنی‌ها از همه این سامانه‌ها عبور می‌کنند و این بزرگ‌ترین چالش ارتش صهیونیستی است و آنها یخبویی می‌دانند تداوم چنین وضعی، خصوصا اگر با حملات بر تعداد موشکی همراه شود، قطعاً آنها را دچار خسرات فراوانی خواهد کرد که تبعات آن می‌تواند تا مدت‌ها دامنگیر صهیونیست‌ها باشد.

ادامه در صفحه ۶

از پیش‌بینی‌های عادی تا بصیرت الهی

در جان او نهاده شده است.

بنابراین وقتی حکیم از آینده رویدادی مانند فروپاشی تمدنی سخن می‌گوید، سخنش ریشه در فهم قوانین کلان دارد که فراتر از تجربه‌های زودگذر بشری است. البته باید در نظر داشت که پیش‌بینی عقلی حکیم، اگر با اشراق معنوی نیز همراه شود، درجه‌ای از بصیرتی گشوده می‌شود که می‌تواند رنگی عرفانی به این نوع پیش‌بینی ببخشد. از منظر تاریخی، بنیانگذار کبیر انقلاب، امام خمینی(ره) یکی از چهره‌های برجسته‌ای هستند که به دلیل صفای باطن، ارتباط معنوی قوی و در عین حال فهم عمیق از تحولات زمانه، توانستند حقایقی را پیش از وقوع آنها بیان کنند. رهبر معظم انقلاب درباره این خصوصیت امام(ره) در ۶ آذر ۱۳۹۳ می‌فرمایند: «رحمت خدا و ضروری است اما بزرگوار که همه این چیزها را فکر کرده‌ان چشم تیزبین و روشن‌بین، آن بصیرت الهی، بدون اینکه درس سیاست در جایی خوانده باشد یا از کسی فراگرفته باشد، همه آن چیزهایی را که در این زمینه لازم بود، از خدای متعال الهام گرفت؛ به همین جهت، ایشان محدودیت‌شان در این است که تنها محدودیت‌های مادی رایج قرار نمی‌گیرد، بلکه عمق و گستره‌ای متفاوت داشته و به دلیل اتصال با حقیقت قدسی، حاوی پیام‌های اخلاقی و تربیتی برای انسانند.

انواع پیش‌بینی‌های علمی و متعارف اغلب مبتنی بر داده‌های قابل اندازه‌گیری و آزمون‌پذیر است. به عنوان نمونه در سیاست کارشناسان، آمارهای نظرسنجی و تحولات اخیر و روندها را کنسار هم می‌گذارند تا احتمال پیروزی فلان جناح یا سیاستمدار را برآورد کنند، بنابراین جوهره این نوع پیش‌بینی‌های عادی و رایج تکیه بر تجربه، اندازه‌گیری و استخراج الگوهای تکرارشونده است. اگر چه چنین پیش‌بینی‌هایی برای زندگی روزمره، برنامه‌ریزی و اتخاذ راهبرد مناسب ضروری است اما محدودیت‌شان در این است که تنها به لایه‌های ظاهری و فرآیندهای کمی شده می‌پردازند و در کسری متافیزیکی یا روحانی از وقایع آینده ارائه نمی‌دهند. علما و عرفا در مکتب تشیع، جهان را فراتر از پدیده‌های حسی دیده، به لایه‌های باطنی هستی توجه می‌کنند. از دیدگاه آنها، از اصلی شناخت آینده در پیوند با منبع وحی و فیض الهی نهفته است. این پیوند از طریق تزکیه درونی، تهذیب نفس و اتصال قلب به عالم بالا حاصل می‌شود.

در سلوک عرفانی، انسان مرحله به مرحله از محدودیت‌های عالم مادی فراتر می‌رود و به مقام کشف و شهود می‌رسد. در چنین حالتی، گاه رخدادهایی از آینده در آئینه دل عارف منعکس می‌شود. این انعکاس البته همیشه شکل یک پیش‌بینی خام و صریح ندارد، بلکه ممکن است در قالب اشارات یا رموز عرفانی آشکار شود و نیاز به تامل و تعبیر داشته باشد. مهم‌تر از همه، این مشاهده‌ها یا اخبار از آینده، در صورت اصالت، هم‌راستا با سنت‌های الهی و قوانین کلی حاکم بر هستی است، چرا که در عرفان اصیل، هیچ پدیده‌ای از مسیر حکمت خداوند خارج نیست. بدین ترتیب، آنچه عارف بیان می‌کند، انعکاسی از قابلیت‌های معنوی و معرفتی است که به ان الهی

رئیس دولت و همچنان مسأله سخنوری

کارشناسان و متخصصان بیرون از دولت است. چیزی که از رئیس جمهور انتظار می‌رود این است که پاسخ درخوری به مسائل ایرادشده در سطح جامعه عمومی را با مخاطبان خود در میان بگذارد؛ پاسخی که نشان دهد تیم کارشناسی دولت دغدغه‌های موجود در جامعه مدنی و مسائلی که کشور با آنها دست‌به‌گریبان است را شنیده، درباره آن صحبت کرده و برنامه خاصی برای پاسخ دادن به آنها را تنظیم کرده است، لذا انتظار می‌رود سخنرانی‌های محدود، هدفمند و خاص رؤسای دولت به‌جای اینکه با جملاتی مثل «باید انجام شود»، «باید اینطور باشد» و مانند اینها با جملاتی مثل «در حال انجام دادن هستیم»، «در حال برنامه‌ریزی کردن هستیم» و «انجام دادیم» تنظیم شده باشد. یعنی مخاطبان بیشتر از اینکه علاقمند باشند نظر دولت درباره مشکلات موجود در کشور را بدانند، اطلاعاتی درباره آنچه دولت برای رفع این مسائل انجام داده یا به طور قطع بنا دارد انجام دهند بشنوند. موضوع اول را می‌شود از طریق سخنگوی دولت، یا از مجرای ابزارهای دیگری که در اختیار دولت هست مطرح کرده و با جامعه در میان گذاشت.

■ آنچه در سخنرانی‌ها به زبان نمی‌آید

در سخنرانی‌های مختلفی که رؤسای دولت ارائه می‌کنند چیزی‌های زیادی وجود دارد که بعضا به زبان نمی‌آید. باوجود این می‌شود آنها را از لابه‌لای کلمات، مک‌ها، تأکیدات و سکوت‌ها فهمید. به هر تقدیر چه وقتی صحبت از پیام‌های آشکار بیان شده در متون

سخنرانی باشد و چه وقتی درباره پیام‌های پنهان نهفته در آنها صحبت می‌کنیم، مساله مهمی که باید در هر متن سخنرانی وجود داشته باشد مسائلی سیاستی و ملی است. من در این بخش با عنایت به همین مساله به روشن کردن تصویری از متن سخنرانی‌های اخیر رئیس دولت چهاردهم در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازم. موضوع مهمی که قبل از هر چیز باید آن را متذکر شوم این است که تصدی هر پست یا مقامی مستلزم رعایت ادبی است که با شئون ویژه آن جایگاه و نه شخص کسی که کرسی مربوط به آن را تصاحب کرده است متناسب باشد. از این جهت برای رئیس دولت لازم است بتواند خوبی میان خود، به عنوان یک شخص حقیقی و نقشی که به عنوان رئیس دولت بر عهده گرفته تمایز قائل شده و مسائل مربوط به این دو را در خطاب‌هایی که نسبت به مردم دارد خلط نکند. سیاستمداران حرفه‌ای که در سازمان آموزشی و تربیتات نهادنددموکراسی‌های ریشه‌دار تربیت شده باشند بجزوی برای انجام دادن این امر آموزش دیده‌اند، لذا مراجعه به خودشان در مقام شخص حقیقی در گفتارهای سیاسی و عمومی‌شان یا به ندرت اتفاق می‌افتد یا تنها برای روشن کردن موضوعی که به سیاست و امر ملی مربوط می‌شود می‌توانیم آن را مشاهده کنیم. از این جهت من اینطور فکر می‌کنم که در عباراتی و اظهاراتی که در سخنرانی‌های اخیر دکتر مسعود پزشکیان می‌بینیم یا یک‌جور سردرگمی و کلافگی ناشی از تداخل میان این دو ساختار زندگی آقای رئیس‌جمهور مواجه هستیم.

ادامه در صفحه ۶



یادداشت

حمید ملکزاده

در دموکراسی‌های مختلف، موضوع رقابت‌های انتخاباتی، کسب قدرت برای پیش‌بردن سیاست‌هایی خاص است، یا انطور که در ادبیات جمهوری اسلامی ایران مرسوم است موضوع رقابت‌های انتخاباتی به دست آوردن فرصتی برای خدمت به مردم است. خدمت کردن در این معنا مستلزم عمل کردن است. درباره قوه مجریه برخی مسائل است که به امور جاری کشور مربوط است. در موضوعاتی مانند این معمولا رویه‌های ثابتی وجود دارد که توسط سازمان بروکراتیک دولت انجام می‌شود؛ موضوعاتی که حتی ممکن است تصور کنیم می‌شود روزی آنها را به یک‌جور هوش مصنوعی سپرد. این دسته از امور بیشتر به اجرای مقررات معلوم و از پیش‌نوشته‌شده، نظارت بر اجرای دقیق این قوانین در سازمان‌های دولتی و مسائلی مانند این مربوط می‌شود. از این جهت نمی‌توانیم بگوییم موضوع اصلی رقابت‌های انتخاباتی برای رسیدن به کرسی ریاست قوه مجریه صرفا قرار گرفتن در رأس چنین سازمان اداری و اجرایی باشد. در این یادداشت تلاش خواهم کرد درباره چیزی که فکر می‌کنم رؤسای جمهور مختلف باید به سازمان بروکراتیک اداره کشور اضافه کنند، صحبت کرده و نکاتی را درباره آنچه تا امروز در دولت چهاردهم جریان دارد یادآور شوم.

■ ریاست‌جمهوری و مسأله سخنوری

بحث درباره توانایی سیاستمداران به طور عام و رؤسای جمهور به طور خاص در امر سخنوری همواره مورد تأکید و توجه کسانی بوده است که به نحوی درباره سیاست اندیشیده یا صحبت کرده‌اند. با وجود این نباید فراموش کرد سخنوری برای سیاستمداران ارزشی درخور نیست، یعنی سخنوری را نباید به عنوان اصل اساسی سیاست فهمید. سخنوری تنها یکی از مجموعه متنوعی از ابزار است که سیاستمداران در اختیار دارند، هر چند در برخی دوره‌های تاریخی خاص ممکن است ضعف در سخنوری به عنوان عاملی برای استقبال توده مردم از یک رهبر سیاسی پوپولیست عمل کرده باشد. مساله دیگری که باید به آن توجه کنیم این است که هر سخنوری ضرور تا نباید مدام در حال سخنرانی باشد. درباره سیاستمداران به طور عام و درباره رؤسای دولت به طور خاص سخنرانی باید دلیلی سیاسی و مخصوصا دلیلی ملی داشته باشد، یعنی هم آن بهانه‌ای که رؤسای دولت را برای صحبت کردن به یک جلسه یا برنامه خاص می‌کشاند و هم آن چیزی که در آن برنامه یا جلسه خاص گفته می‌شود باید سیاسی و از جنس مسائل ملی باشد. موضوع مهمی که باید در اینجا متذکر شوم این است که رئیس دولت نه عالم دینی و نه مبلغ اخلاقی است، یعنی در میانه مستمعان او کمتر کسی انتظار دارد با گزارشی درباره حقایق دینی یا اصول اخلاقی خاصی روبه‌رو شود. هر عین حال رؤسای دولت در سخنرانی‌های خود نباید در مقام کارشناس مسائل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ظاهر شوند. کار تبیین مشکلات و مسائل جاری در کشور برعهده روزنامه‌نگاران، احزاب،